

نقش مدیریت شهری در مناطق حاشیه نشین با تاکید بر ایران

سجاد امیدوارفر

کارشناس جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه پیام نور مرکز ارومیه، ارومیه، ایران
Sajjad.omidvarfar70@gmail.com

چکیده

در شکل گیری پدیده نامطلوب حاشیه نشینی در جوامع در حال توسعه از جمله ایران عوامل مختلفی دخیل بوده اند. عواملی چون رشد جمعیت، مهاجرت، مسائل اقتصادی، چارچوب های قانونی و غیره. متناسب با این عوامل پدیده حاشیه نشینی در داخل و خارج شهرهای بزرگ و حتی شهرهای متوسط کشورهای در حال توسعه، در حال رشد است و حتی در بعضی از این جوامع رشد جمعیت در مناطق حاشیه نشین بیشتر از رشد جمعیت در شهر اصلی است. در مقاله حاضر سعی شده است نقش مدیریت شهری در مناطق حاشیه نشین بررسی شود. در این ارتباط اطلاعات این تحقیق به صورت کتابخانه ای و میدانی از منابع معتبر جمع آوری گردیده است و همچنین سعی شده با تحلیل و توصیف مفهوم حاشیه نشینی و شناخت علل و عوامل این پدیده، نقش مدیریت شهری و سیاست ها و قوانین آن در جهت جلوگیری از روند توسعه پدیده حاشیه نشینی در ایران مشخص شود.

واژگان کلیدی: مدیریت شهری، حاشیه نشینی، ایران.

۱- مقدمه

بسیاری از مفاهیم اجتماعی، که در محدوده آسیب های عمیق اقتصادی- اجتماعی قرار دارند، در اکثر کشورهای بزرگ جهان، قابل مشاهده اند. و در برخی از موارد از شاخص های موازی و مشترک فراوانی برخوردارند. یکی از آن موارد، که کشور ما نیز سال ها است مبتلا به این پدیده نامطلوب شده است، مساله حاشیه نشینی در شهرهای بزرگ است. در این زمینه دیدگاه ها و نظرات مختلفی از سوی دانشمندان ارائه شده است. در این مقاله به برخی از این دیدگاه های مشترک پرداخته می شود. دکتر شکویی حاشیه نشینی را چنین تعریف می کند: نقطه ای از شهر است که واحدهای مسکونی رو به ویران، فرسوده و تجهیزات ناقص داشته و فرهنگ فقیر، جدایی گزینی توده ای مردم روستایی از جامعه شهری، گوشه گیری و انزوا بر آن ها غلبه دارد. (شکویی: ۱۳۵۴، ۱)

حسین زاده دلیر حاشیه نشینی را نوعی شیوه زندگی می داند که نسبت به سه شیوه زندگی یعنی شهری، روستایی و کوچ نشینی متفاوت بوده و با ویژگی های اقتصادی و اجتماعی مخصوص به خود، بافت فیزیکی جدیدی را به وجود می آورد. (حسین زاده دلیر: ۱۳۷۰، ۲۵)

رابرت پارک با الهام از عقاید و افکار استاد خود جورج زیمل جامعه شناس آلمانی در مقاله ای تحت عنوان مهاجرت انسانی و انسان حاشیه نشین، انسان حاشیه نشین را این چنین تعریف می کند: انسان حاشیه نشین شخصی است که از حاصل برخورد یا پیوند و نظام فرهنگ متفاوت و احیاناً متناقض ظهور می کند که چنین موجود دورگه ای در زمان واحد در حالی که نسبت به هیچ کدام کاملاً متعلق و متمایل نمی داند. (پیران: ۱۳۸۱، ۱۲)

می توان گفت حاشیه نشینی به آن سنخ از زیست شهری اطلاق می گردد، که در حومه شهرها، تعدادی خانوار با مسکن نامناسب، یک مرکز جمعیتی یا شهرک ماندنی را به وجود آوردند. در فرهنگ شهر و شهرنشینی، حاشیه نشینی تا حدود زیادی مترادف با مفاهیمی چون زاغه نشینی و آلونک نشینی به کار برده شده است.

حاشیه نشینی یک پدیده اجتماعی است و این پدیده اختصاص به عصر فعلی نداشته و ریشه در ادوار و اعصار گذشته دارد و این پدیده هم در کشورهای توسعه یافته و هم در کشورهای در حال توسعه وجود داشته و دارد. و تنها تفاوت آن در کشورهای توسعه یافته با کشورهای در حال توسعه، از حیث ریشه های تاریخی به وجود آورنده آن و رفتار کالبدی و اجتماعی آن می باشد. کشور ایران نیز از این پدیده مصون نمانده منتهی شرایط حادی که در برخی از کشورها از جمله برزیل، هندوستان، پرو و برخی کشورهای آفریقایی وجود دارد در کشور ما، حاکم نیست. ولی از حیث قدمت مشابه سایر کشورها می باشد. پدیده حاشیه نشینی در ایران نیز همانند اکثر کشورهای در حال توسعه تا حدود زیادی ریشه در مهاجرت و عوامل دافعه و جاذبه روستایی-شهری دارد. فقدان و کمبود امکانات رفاهی و خدماتی در مناطق روستایی و شهرهای کوچک فرآیند مهاجرت را تشدید کرد و حاشیه نشینی پدیدار شد و به این ترتیب یکی از بارزترین نمودهای مهاجرت در ایران مانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه شکل گرفت. (مرصوصی، بهرامی پاوه، ۱۳۹۰، ۱۴۲)

یکی از پدیده های همزاد شهرنشینی شتابان، رشد و گسترش حاشیه نشینی بوده است که به صورت قارچ گونه در اطراف شهرهای بزرگ تکثیر یافته است. هر چند پرداختن به حاشیه نشینی در سنت جامعه شناسی غرب به ظهور مکتب شیکاگو در اوائل قرن بیستم بر میگردد و حتی پیش از آن نزد ابن خلدون به صورت گذار در بحث مهاجرت روستائیان و عدم توان سکونت متن اصلی شهر و رانده شدن به حاشیه اشاره شده است، اما پس از انقلاب صنعتی و به تبع آن انفجار شهرهای دنیای مدرن است که این موضوع تبدیل به مسئله اجتماعی شد. (نقدی: ۱۳۸۶، ۹)

۲- فرضیات پژوهش

۱. به نظر می رسد بین حاشیه نشینی و سطح بهداشت عمومی و سلامتی ارتباط معنی داری وجود دارد.
۲. به نظر می رسد بین حاشیه نشینی و امکانات آموزشی و رفاهی و سطح سواد و تحصیلات ارتباط معنی داری وجود دارد.
۳. به نظر می رسد بین حاشیه نشینی و انحرافات و کج رویهای اجتماعی ارتباط معنی داری وجود دارد.

۳- مبانی نظری

۳-۱- مفهوم حاشیه نشینی

در فارسی اصطلاحات متعددی در ارتباط با حاشیه نشینی مورد استفاده قرار می گیرد، که عبارتند از: زاغه نشینی، آلونک نشینی، حلب آباد و غیره، که هر کدام مفهوم خاص خود را دارند. در سایر زبان ها و فرهنگ های جهان نیز اصطلاحات متفاوتی، در این مورد، وجود دارند، مانند: رانچو یا فاولا در آمریکای لاتین؛ بوستی یا کامپونگ در آسیا؛ بی دونویل یا شانتی تاون در آفریقا. (لهسانی زاده، ۱۳۶۸، ۲۵)

اولین کسی که اصطلاح حاشیه نشینی را به کار برد، رابرن ای. پارک بود. پارک در مقاله مهاجرت بشر و انسان حاشیه نشین، حاشیه نشینی را نتیجه عملکردهای اقتصادی-سیاسی می داند. (انصاری: ۱۳۶۹، ۳۹). در نظریه کاربری اراضی شهری، شکل و نظام فضایی خاصی که شهر به خود می گیرد، نتیجه رقابت گروههای مختلف شهری در جهت احراز موقعیت شهر است. در این صورت بازندگان این رقابت به ظهور پدیده هایی نظیر زاغه نشینی، حاشیه نشینی، حلبی آباد و ... دامن می زنند. (قرخلو: ۱۳۸۳، ۸۸)

مارشال کلینارد و ارنست برگس از طرفداران این نظریه معتقدند که حاشیه نشینی بر اثر تقسیم فضاهای شهری حاصل می آید. (Clinard, 1966: 18) از نظر جامعه شناسان گروهها و طبقاتی که مسلط بر منابع کمیاب اجتماعی شهری اند به موقعیت زیست در متن دست می یابند و در حیات جمعی نقش سوژگی ایفا می کنند. این خود مستلزم به حاشیه رانده شدگی طبقاتی

است که در وضعیت زیست در حاشیه بسر می برند و در گسترده فعالیت های شهری نقشی نیمه فعال یا غیر فعال دارند. (ربانی و دیگران: ۸۳، ۱۳۸۱) در دیدگاه لیبرالی پدیده حاشیه نشینی به عنوان یک واقعیت پذیرفته شده و به دنبال راه کارهای بهینه سازی شرایط زندگی در مناطق حاشیه نشین هستند و با اعطای زمین به اشکال مختلف، دادن وام و کنترل دولتی زمین، موضوع را خاتمه یافته تلقی می نمایند (باوی: ۱۳۸۴: ۲۲-۲۰؛ شیخی، ۱۳۸۰: ۳۰).

۲-۳- ویژگی های حاشیه نشینی

به موازات رشد بی رویه شهرنشینی در کشورها بالاخص ممالک جهان سوم، سکونتگاه هایی نامتعارف و حاشیه ای نیز به سرعت ایجاد شده و رشد یافته اند. این سکونتگاه ها دارای ویژگی های زیر هستند:

۱. به دلیل نداشتن پروانه ساختمان و تبعیت نکردن از برنامه ریزی های رسمی شهرسازی، ایجاد مسکن توسط حاشیه نشینان شتابزده بوده و مجموعه ای از ساختمان های نابسامان را به وجود آورده اند.
۲. مناطق حاشیه نشین تمرکزی از اقشار کم درآمد و فقیر شهری و مهاجر روستایی را شامل می گردد.
۳. محیطی با کیفیت پایین زندگی بوده و کمبود شدید خدمات و زیر بناهای شهری و تراکم بالای جمعیتی در آن مشهود است (سازمان عمران و بهسازی شهری: ۱۳۸۱).
۴. حاشیه نشینان بیشتر افراد مهاجر روستایی و عشایر و کمتر شهری هستند که در اغلب موارد فاقد مهارت لازم شهری و بعضا غیر ماهرند.
۵. غالبا زمین های مناطق حاشیه نشین غصبی می باشند.
۶. اغلب بیسواد و کم سواد بوده و از ساختار و روابط اجتماعی زندگی شهری دور هستند.
۷. از نظر بافت کالبدی، معماری و شهرسازی یک محله بی شکل و درهم و برهم و فاقد خیابان و کوچه بندی هستند.
۸. از خدمات و تسهیلات بهداشتی، آموزشی و اجتماعی محروم بوده اند (حاج یوسفی: ۱۳۸۱)

۳-۳- پیامدهای حاشیه نشینی

۱-۳-۳- سیمای نامطلوب

عمده ترین نماد جهانی حاشیه نشینی سیمای نامطلوب آن است که احساس و وجدان و دیدگان آدمی را می آزارد، از مشخصات آن ساختمان های تخریب شده و فرسوده شده، گذرگاه ها و معابر پر پیچ و خم و کم عرض است و معمولا راه دسترسی خودروهای امداد اعم از آتش نشانی، اورژانس و پلیس در مواقع بروز حوادث و خطرات وجود ندارد.

۲-۳-۳- پایین بودن سطح بهداشت عمومی و سلامتی

حاشیه نشین ها فاقد بهداشت عمومی و خصوصی در حد و اندازه استانداردهای جهانی و حتی ملی هستند و اقدام علیه بهداشت عمومی و محیط زیست در چنین مناطقی شایع است. انباشت زباله ها و عدم جمع آوری آنها، جریان فاضلاب منازل در کوچه ها و عدم دفع بهداشتی آن، آلودگی های صوتی و آلودگی هوا و غیره در این محلات مشهود است.

۳-۳-۳- فقدان شغل رسمی و درآمد کافی

اکثر خانواده های حاشیه نشینی شغل رسمی برای تامین معاش خود ندارند و چون این افراد عموما فاقد مهارت و تخصص و سرمایه گذاری می باشند به مشاغل کاذب و بعضا مجرمانه مثل دستفروشی، کوپن فروشی، تکدی گری، زباله دزدی، خرید و فروش مواد مخدر و مشروبات الکلی روی می آورد.

۳-۳-۴- وجود خرده فرهنگ های خاص مناطق کوچک

در مناطق حاشیه نشین خرده فرهنگ های خاص مناطق کوچک هر یک از خانوارها که قبلا ساکن آن بودند مشاهده می شود و اجتماعی در دل جامعه به وجود می آورند. این فرهنگ ها بسیار دیر جذب فرهنگ های شهری می شوند و این امر و نیز فقر فرهنگی افراد امکان نفوذ از نظر فرهنگی و اجتماعی را در آن ها برای اجرای برنامه های مختلف اجتماعی، چون بهداشت و تنظیم خانواده و غیره مشکل می کند. خصایص کنش روستایی که سنخیتی با زیست شهر ندارد، به شاکله عقیدتی زیست شهری مبدل می شود.

۳-۳-۵- تراکم جمعیت

ترکیب سنی جمعیت در این مناطق نشان می دهد که علی رغم جوان بودن بیشتر رؤسای خانواده ها بعد خانواده وسیع است. متوسط تعداد جمعیت هر خانوار حدود ۴/۵ درصد می باشد که با در نظر گرفتن مساحت کم منازل موجود در مناطق حاشیه نشینی به تراکم بیش از حد جمعیت در این مناطق پی خواهیم برد.

۳-۳-۶- فقدان یا کم بودن امکانات آموزشی و رفاهی و پایین بودن سطح سواد و تحصیلات

در حاشیه شهرهای ایران، آموزش و پرورش به بدترین شکل ممکن رواج دارد، به این معنا که عدم تخصیص بودجه متناسب برای امر آموزش و پرورش این نقاط جدای از آنکه باعث کم سواد شدن حاشیه نشینان شده است، موجب گردیده که تا فرآیند جامعه پذیری، در میان کودکان و نوجوانان حاشیه نشین فرآیندی ناقص و عقیم باشد نقصانی که در رشد بالای انحرافات اجتماعی نمود می یابد.

۳-۳-۷- اعتیاد

از عوامل گرایش به اعتیاد، فقر، بیکاری، فقدان برنامه صحیح جهت پر کردن اوقات فراغت، نابرابری های اقتصادی و اجتماعی و در دسترس بودن مواد مخدر را می توان نام برد معمولا در مناطق حاشیه نشین بسیاری از این عوامل قابل رویت است و بدان جهت اعتیاد به مواد مخدر در بین جوانان این مناطق و همچنین خرید و فروش مواد مخدر روز به روز افزایش می یابد.

۳-۳-۸- منبع و مرکز انحرافات و کج رویهای اجتماعی

مارشال کلینارد می گوید: حاشیه نشینی مساله و عارضه ای شهری است و منشا عمده بزهکاری و جرم می باشد. آسیب های اجتماعی و سهم بالایی از وقوع جرم و جرائم در کشور به حاشیه نشینان اختصاص یافته استف به دلیل عدم تطابق هنجاری و نائل نشدن به یک شناخت اجتماعی حاشیه نشینان و همچنین سطح نازل معیشت اقتصادی این طبقه اجتماعی، یک نوع انحرافات نهادینه شده در کنش آن ها به چشم می خورد، قاچاق مواد مخدر و جنایت های مبتنی بر هیچ انگاری ارزش های اجتماعی از موارد قابل ذکر هستند (یاوری، ۱۳۸۳).

۴- مدیریت شهری و حاشیه نشینی در ایران

تمامی نهاد ها و سازمان ها و اداراتی که در اداره امور شهرها مساعی دارند و در این راه وظایف به عهده آنها گذاشته شده است در امور حاشیه نشینان نیز درگیر می باشند. منتهی در برخورد با حاشیه نشینی که طبقات بی بضاعت و فقیر جامعه را در بر می گیرند یک سری سیاست گذاری ها و قوانین و مقررات وجود دارد که از طریق برنامه های توسعه اجتماعی - اقتصادی و طرح های شهری در اصلاح و بهبود و مدیریت محدوده های حاشیه نشینی شهری تاثیر می گذارند و با توجه به اینکه فاصله میان درآمد خانواده ها و قیمت مسکن پدیده حاشیه نشینی را به وجود می آورد و آن را گسترش می دهد و بالاخره به صورت

یک واقعیت به جامعه شهری تحمیل می کند و تا زمانی که میان درآمد خانواده ها و قیمت مسکن فاصله زیادی وجود دارد حاشیه نشینی نیز وجود خواهد داشت. (رمضان پور، ۱۳۸۳، ۷۵) در برخورد با حاشیه نشینی، سیاست ها و قوانین عمدتاً بر پایه تامین مسکن افراد بی بضاعت و کم درآمد جامعه بوده است و از اینرو سیاست های خانه های ارزان قیمت توسط سازمان ها و نهاد های مرتبط پی گیری می شده است که می توان از شهرداری، مسکن و شهرسازی و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی نام برد.

در بند ۲۱ ماده ۵۵ قانون شهرداری های کشور اتخاذ تدابیر لازم جهت ساخت خانه های ارزان قیمت برای اشخاص بی بضاعت مسکن شهر وجود وظایف شهرداری قرار داده است. در برنامه عمرانی اول (۱۳۲۷) و برنامه دوم (۱۳۴۱-۱۳۳۴) کم درآمدها و اسکان غیر رسمی هدف مشخص برنامه مسکن در فصل خانه های ارزان قیمت گشتند در برنامه پنجم عمرانی (۱۳۵۶-۱۳۵۲) در بخش مسکن به تفصیل بیشتری کم درآمدها و اسکان غیر رسمی مطرح شدند. (اطهاری، مدیریت شهری، ۲)

بعد از پیروزی انقلاب با توجه به سیاست رسیدگی به امور محرومین سازمان ها و نهادهایی شکل گرفتند که وظیفه اصلی آنها خانه سازی برای قشر محروم جامعه بود. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در ۲۱ فروردین ماه ۱۳۵۸ بنا به فرمان امام خمینی (ره) به منظور تامین مسکن برای محرومان شکل گرفت ماده سه اساسنامه اشاره به ساخت واحدهای ارزان قیمت بطور مستقیم یا با مشارکت مردم با همکاری و هماهنگی دستگاه های ذیربط در شهر و روستا دارد. در سال ۱۳۶۱ سازمان زمین شهری تشکیل شد و متقاضیان را به انفرادی، تعاونی و انبوه ساز تقسیم و با اعلام ضوابطی برای هر یک سعی کرد به واگذاری زمین برای ساخت مسکن نظم دهد. اما با محدودیت های قایل شده بخش بزرگی از جامعه از شمول واگذاریها خارج گشت از این رو رشد سکونتگاه های غیر رسمی در دوره ۶۵-۱۳۵۵ نشانه کنار گذاشتن کم درآمدها در آن زمان است.

در برنامه اول توسعه جمهوری اسلامی ایران (۷۲-۱۳۶۷) در بخش مسکن برنامه کمی درباره کم درآمدها و اسکان غیر رسمی وجود نداشت. در بخش سیاست های کلی اولویت دادن به مسکن برای اقشار محروم؛ و در بخش سیاست های اجرایی استفاده از ساز و کار نرخ ترجیحی مطرح شد. تعجیل در تدوین برنامه اول و همچنین در اعمال سیاست های آزاد سازی باعث شد که برنامه های تفصیلی در مورد کم درآمدها به مرحله عمل نرسد، بدین ترتیب سهم مسکن کم درآمد ها کمتر از پیش شد و این امر بر ابعاد اسکان غیر رسمی در طول برنامه افزود و حتی تنش ها اجتماعی و سیاسی ایجاد کرد. (اطهاری، مدیریت شهری، ۲، ص ۸۷) در شهریور سال ۱۳۷۲ ماده واحده ای جهت عنوان قانون تهیه مسکن برای افراد کم درآمد وزارت اقتصاد و دارایی موظف گردید علاوه بر مالیات مقرر نیم درصد از درآمد مشمول مالیاتی بانک های کشور را اخذ و به حساب مخصوص خزانه واریز و در قالب قانون بودجه به حساب صد امام واریز نماید و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی موظف است مبلغ دریافتی مزبور را صرفاً در جهت تامین مسکن ارزان قیمت برای محرومین مصرف نماید.

در برنامه دوم توسعه (۷۸-۱۳۷۴) سعی بر آن بود که ضعف های بخش مسکن از طریق تکمیل نظام کمک اعتباری قایل شدن وام و کمک به احداث شهرهای جدید و آماده سازی برطرف شود که این امر مشروط به کاهش سطح زیر بنای واحد مسکونی گردیده در این برنامه تصحیح و تعادل بخشی بازار مسکن از طریق مسکن حمایت شده (برای میان درآمدها) و جبران شکست های بازار مسکن از طریق (مسکن اجتماعی) برای کم درآمدها در دستور کار قرار گرفت (هدف کمی برنامه ۲۵۰ هزار واحد مسکونی تا سطح زیر بنای ۵۰ هزار متر مربع). بدین ترتیب ساخت (مسکن اجتماعی) در قالب قرار داد (اجاره به شرط تملیک) برنامه بخش مسکن برای رفع اشکال غیر رسمی را تشکیل داد. (همان منبع)

در برنامه سوم توسعه (۸۳-۱۳۷۹) از طریق معافیت مالیاتی برای واحدهای کمتر از ۱۲۰ متر مربع و ارائه تسهیلات بانکی و طبق ماده ۴۱ قانون برنامه سوم، سازمان ملی زمین و مسکن وزارت مسکن و شهرسازی به منظور تامین اعتبار مورد نیاز احداث واحدهای مسکونی (استیجاری یا اجاره به شرط تملیک) مجاز گردید اراضی شهری در تملک خود را به قیمت روز بفروشد.

- بطور کلی سیاست های دولت در مورد مسکن عبارت اند از:
۱. افزایش سرمایه گذاری خارجی و داخلی در بخش مسکن.
 ۲. حمایت های مالی انبوه سازی واحدهای سکونتی کوچک.

۳. مالیات بندی و حمایت های مالی کار آمد و توجه به بیمه مسکن.
 ۴. کاهش نظارت دولت و متحول نمودن مدیریت مسکن و زمین به واحدهای مدیریت محل سازمان های استانی و شهرداری ها) و ارتقاء ساخت مسکن استیجاری و تعاونی مسکن.
- بر اساس سیاست های فوق و با رویکرد هویت بخشی به سیمای شهر و روستا، استحکام بخشی ساخت وساز ها، دست یابی به توسعه پایدار و بهبود محیط زندگی در شهرها و رویه ماده ۳۰ قانون برنامه چهارم (۸۸-۱۳۸۴) در مورد عمران و مسکن شهری و روستایی تدوین و سیاست ها و اقدامات مربوط به مسکن کم درآمد مشخص گردید. (ایراندوست، ۱۳۸۸، ۱۸۰)

۵- روش شناسی

پژوهش حاضر ماهیتی توصیفی دارد. در ابتدا برای دریافت مفهوم عنوان مقاله به بررسی مفهوم حاشیه نشینی پرداخته شده است که این مطالب از منابع معتبر کتابخانه ای که شامل کتاب ها و مقالات علمی می باشد جمع آوری شده است. همچنین سعی شده دیدگاه ها و نظرات مختلفی که از سوی دانشمندان ارائه شده است را تحلیل و توصیف نموده و به مقایسه بین آنها پرداخته شود. در بخش بعدی نیز پیامدهای حاشیه نشینی بررسی شده است و در انتها به نقش مدیریت شهری در مناطق حاشیه نشین و برنامه های انجام گرفته ذکر گردیده است.

۶- پیشنهادات

۱. ایجاد نظامی جهت بهره مندی حاشیه نشینان از شبکه های زیر بنایی و خدمات شهری، آموزشی و بهداشتی و غیره .
۲. ساخت و عرضه مسکن ارزان قیمت برای اقشار کم درآمد.
۳. ایجاد و احداث خانه های مسکونی اجاره ای ارزان قیمت برای اقشار کم درآمد.
۴. ایجاد شهرک های اقماری کارگر نشین یا کم درآمد نشین در نزدیکی شهرهای بزرگ.
۵. احداث کارگاه های کوچک در نزدیکی شهرهای بزرگ برای رفع بیکاری خانوارهای حاشیه نشین.

۷- نتیجه گیری

در شکل گیری و توسعه پدیده حاشیه نشینی در جوامع در حال توسعه، از جمله ایران، عوامل مختلفی دخیل بوده اند. در شهرهای ایران، از گذشته های دور تاکنون همواره طبقه کم درآمد و محله های کم درآمد نشین وجود داشته اند؛ اما امروزه این معضل با تأثیرپذیری از شرایط اقتصادی- سیاسی جهانی ابعاد گسترده ای یافته و مشکلات بسیاری را به وجود آورده است. حاشیه نشینی یک معضل کلان شهری می باشد که نشان از ضعف ساختار اجتماعی و اقتصادی است. با توجه به عوارض ناخوشایند، ضد انسانی و متناقض با مفاهیم شهری بایستی علل و عوامل این پدیده شناخته و از روند توسعه و رشد پدیده حاشیه نشینی جلوگیری شود؛ زیرا اگر این پدیده کنترل نشود، علاوه بر تشدید نا امنی در جوامع رسمی، تداوم دولتها و حکومت ها را با مخاطره مواجه می کند.

مراجع

- ۱- انصاری، عبدالمجید، (۱۳۶۹): ایرانیان مهاجر در ایالت متحده، پژوهشیدر حاشیه نشینی دو گانه، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، آگاه.
 - ۲- قرخلو، مهدی و عبدالنبی شریفی، (۱۳۸۳): پیدایش، تکامل فیزیکی و وضعیت اجتماعی- اقتصادی حاشیه.
 - ۳- ربانی، رسول و افشار کهن، جواد (۱۳۸۱) : حاشیه نشینی، مشارکت و مسائل اجتماعی شهری، فصلنامه فرهنگ اصفهان، شماره ۲۳ و ۲۴.
 - ۴- نقدی، اسداله (۱۳۸۶)، حاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی، همدان، نشر فن آوران، چاپ چهارم، همدان.
 - ۵- حاج یوسفی (۱۳۸۱) حاشیه نشینی و فرآیند تحول آن، هفت شهر، فصلنامه عمران و بهسازی شهری، وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان عمران و بهسازی شهری، سال سوم، شماره ۸ تهران.
 - ۶- یآوری، نفیسه (۱۳۸۳) حاشیه نشینی و آثار اجتماعی و فرهنگی آن بر شهرها، مجموعه مقالات همایش شهرسازی ایران جلد اول، ساخت کالبدی شهر، شیراز، دانشکده هنر و معماری دانشگاه شیراز.
 - ۷- شکوهی، حسین (۱۳۵۴) حاشیه نشینان شهر تبریز، موسسه تحقیقات علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز.
 - ۸- حسین زاده دلیر، کریم (۱۳۷۰) حاشیه نشینی در جستجوی معنی و مفهوم، مجموعه مقالات هفتمین کنگره جغرافیایی ایران، جلد اول. موسسه جغرافیای دانشگاه تهران. تهران.
 - ۹- پیران، پیروز (۱۳۸۱) باز هم در باب اسکان غیر رسمی: مورد شیر آباد زاهدان، هفت شهر، فصلنامه عمران و بهسازی شهری، وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان عمران و بهسازی شهری، سال سوم، شماره ۱۰ و ۹. تهران.
 - ۱۰- مرصوصی، نفیسه، بهرامی پاوه، رحمت ا... (۱۳۹۰)، ص ۱۳۱، تهران، دانشگاه پیام نور
 - ۱۱- باوی، جواد، (۱۳۸۴): ساماندهی مناطق حاشیه نشین شهر اهواز با تاکید بر منطقه ملاشیه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف آباد.
 - ۱۲- شیخی، محمد تقی، (۱۳۸۰): جامعه شناسی شهری، انتشارات منشی.
 - ۱۳- رمضان پور، رقیه (۱۳۸۳)، حاشیه نشینی و حاشیه نشینان از گذشته تا امروز.
 - ۱۴- اطهاری، کمال، حاشیه نشینی در ایران، مدیریت شهری ۲.
 - ۱۵- ایراندوست، کیومرث، سکونتگاه های غیر رسمی و اسطوره حاشیه نشینی (۱۳۸۸)، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، شهرداری تهران.
- 16-Clinard, Marshal.B, (1966): Slum and Community Development, The free Press, New York.